

بررسی تطبیقی نهاد سازش در حقوق ایران و مصر

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

رستم مقامی

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد خرم آباد

چکیده

بروز اختلاف ما بین افراد و یا نهادها همیشه وجود داشته که بهترین روش حل و فصل آن، سازش می باشد روش های سازش و حل و فصل اختلافات در بسیاری از کشورها با وجود آن که دادگاهها به عنوان مرجع عام رسیدگی وجود دارد، به عنوان شیوه جایگزین کارکرد بالایی دارند که در حقوق ایران با هدف کاهش اطاله ی دادرسی و نهادینه کردن فرهنگ داوری و صلح و سازش میان مردم نهاد هایی شورایی همچون، حکمیت، داوری، سازش پیش بینی شده تا در رسیدگی و مشارکت در تحقق صلح و سازش ایفای نقش نمایند. در حقوق ایران قانون آیین دادرسی در مواد ۱۷۸ الی ۱۹۳ را به سازش اختصاص داده است که طرفین دعوا در هر مرحله ای از دادرسی می توانند از طریق صلح و سازش دعوی خود را خاتمه دهند. و اما در قانون مدنی جدید مصر، در ماده ۵۴۹ قانونگذار صلح را مورد شناسایی و تصویب قرار داده و قواعد و رسیدگیهای مربوط به صلح را مبتنی بر احترام به اراده خصمین تنظیم نموده است در حقوق مصر همانند حقوق ایران سازش جزء حقوق عقود رضایی می باشد و در ایجادش شکل خاصی نیاز نیست، بلکه تنها ایجاب و قبول کفایت می کند.

واژگان کلیدی: سازش، میانجیگری، حل و فصل اختلافات، نهاد داوری، نهادهای قضایی

^۱ نویسنده مسئول Fa.baharvand@yahoo.com



سازش از جمله شیوه های حل و فصل اختلاف مابین بشر از گذشته تا به امروز بوده که این فرایند به عنوان شیوه جایگزین دادگاهها کارکرد بالایی داشته است، در سازش یک شخص ثالث بی طرف با طرفین دعوا مذاکره کرده و در صدد کشف یک راه حل برای اختلافات است. مهمترین هدف از تشکیل نهاد صلح و سازش در ایران کاستن از بار دادگاهها بوده تا از تراکم و ازدیاد پروندهها بکاهد. با تشکیل نهاد سازش و به ویژه صلاحیت اجباری شورا، دعاوی کوچک و کم اهمیت که بخش مهمی از وقت و نیروی را مصروف خود می داشت به سوی این نهاد سرازیر شد. سازش در حقوق مصر به عنوان یکی از شیوه های جایگزین دادگاهها کارکرد بالایی دارد. در قانون مدنی سابق مصر ماده ۵۳۲ صلح یا سازش به این شکل تعریف شده است: «الصلح عقد به یترک کل من المتعاقدين جزءا من حقوقه علی وجه التقابل لقطع النزاع الحاصل اولم منع وقوعه». قانون گذاران آن سرزمین به دلایلی که در منابع حقوقی ایشان ذکر شده است از این تعریف دست برداشته اند و تعریفی جدید از صلح در قانون مدنی جدید خود، ماده ۵۴۹ ارائه داده اند: «الصلح عقد یحسم به الطرفان نزاعا قائما او یتوقیان به نزاعا محتملا، وذلك بان ينزل کل منهما علی وجه التقابل عن جزء من اجزائه». از این رو در حقوق مصر همانند حقوق ایران سازش جزء حقوق عقود رضایی می باشد و در ایجادش شکل خاصی نیاز نیست، بلکه تنها ایجاب و قبول کفایت می کند.

بخش اول: مفهوم سازش

سازش در لغت به معنی حسن سلوک، خوش رفتاری. صلح و آشتی حصول توافق بین دو تن وسازگاری و هماهنگی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۲۶۷) سازش در اصطلاح راه حلی برای رفع اختلاف و پایان دادن به دعوا است که در کنار دیگر روش های حل اختلاف مانند حل و فصل اختلاف در دادگاه و حل و فصل اختلاف به شیوهی داوری مورد استفاده قرار می گیرد. درخواست سازش فقط در امور مدنی است و نه در امور کیفری و شرایط حاکم بر سازش مانند شرایط عقد صلح است به این صورت که قواعد عمومی قراردادها و قواعد اختصاصی

عقد صلح نسبت به سازش اعمال می‌شود و مداخله‌ی شخص ثالث نیز منتفی است. در اصطلاح حقوقی و در آیین دادرسی مدنی سازش به معنی موافقت و هماهنگی بین دو طرف دعواست که به صورت داوطلبانه در داخل یا خارج از دادگاه و به منظور پایان دادن به شکایت و دعوای موجود بین طرفین صورت می‌پذیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۲۱۲۰) میتوان گفت سازش روشی که در آن یک شخص سوم یا بی طرف وارد مذاکره با طرفین دعوا شده و تلاش می کند راه حلی برای حل اختلافات بین آنها پیدا کند. به عبارتی سازش خود نوعی داوری است. در حقوق ایران می توان از نهادهایی مثل میانجیگری، داوری و رفع اختلافات در شورای حل اختلاف به عنوان نهاد های صلح و سازش نام برد. قانونگذار ایران در قانون آیین دادرسی مدنی مبحثی را به سازش اختصاص داده است و طرفین دعوا در هر مرحله ای از دادرسی می توانند از طریق صلح و سازش دعوی خود را خاتمه دهند. بنابراین قانونگذار ایرانی در مواد ۱۷۸ الی ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی بیان داشته است « طرفین می توانند در هر مرحله ای از دادرسی سازش نمایند و در صورتی که در دادرسی خواهان یا خوانده، چند نفر هم باشند هر کدام از آنها می تواند جدا از سایرین با طرف خوود سازش کنند »

بخش دوم: انواع سازش

سازش ممکن است قبل از تحقق دعوا باشد یا بعد از آن که قبل از تحقق دعوا خارج از دادگاه می باشد، و در بعضی مواقع از این که فرایند سازش قبل از اقامه دعوا باشد یا بعد از آن، در محکمه رخ نمی دهد، بلکه در شکل دیگری رخ می دهد. از مصادیق این نوع سازش می توان در جریان داوری، سازش در دفتر اسناد رسمی و سازش به صورت کدخدا منشی اشاره نمود. (ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی) به منظور حل مشکل بین طرفین، یکی از طرفین اختلاف از دادگاه می‌خواهد که نقش واسطه را داشته باشد و مشکل و اختلاف بین طرفین با وساطت دادگاه فیصله یابد و طرفین به توافق برسند. بنابراین این نوع درخواست سازش، مرحله‌ای قبل از اقامه‌ی دعواست، به این صورت که طرفین به دادگاه دعوت می‌شوند و در دعوت نامه‌ی دادگاه باید قید شود که خوانده برای سازش دعوت می‌شود. (ماده ۱۸۷ قانون



آیین دادرسی مدنی) مرجع درخواست سازش دادگاه نخستین است، درخواست باید کتبی بوده و در دفتر ثبت دادخواست‌های دفتر کل ثبت شود. این درخواست در دو نسخه تنظیم شده و نسخه‌ای از آن به خواننده ابلاغ می‌گردد. هزینه‌ی این درخواست برابر دعاوی غیر مالی است. طرف احضار شده برای سازش می‌تواند از حضور در دادگاه استنکاف نماید یا کتباً اعلام کند که حاضر به سازش نیست و چنین دعوتی را نپذیرد یا اینکه در دادگاه حاضر شود اما از سازش خودداری نماید. در صورتی که طرفین حاضر به سازش نباشند، دادگاه آن‌ها را به اقامه‌ی دعوا راهنمایی می‌کند. با توجه به توضیحات مطرح شده شرط مداخله‌ی دادگاه حضور و رضایت طرفین نسبت به سازش است. در صورت وقوع صلح و سازش بین طرفین دعوا، قرارداد سازش عقدی لازم تلقی می‌شود به این معنی که طرفین ملزم به رعایت آن هستند و هیچ یک از طرفین نمی‌تواند چنین سازشی را فسخ کند مگر در مواردی که قانون مشخص کرده است. (حیاتی، ۱۳۸۴، ۲۹۲)

قسم دوم سازش بعد از تحقق دعواست و منظور زمانی است که دعوا در دادگاه اقامه شده است اما طرفین مایل هستند که اختلاف خود را با سازش و توافق پایان دهند (ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی).

اگر چنانچه خواهان به منظور اعمال حق دادخواهی خود و صدور رای مقتضی به دادگاه مراجعه کنند در این صورت نزاع و اختلاف وارد مرحله دعوی شده است در این مرحله اگر طرفین به هر دلیلی نسبت به خواسته دعوی با یکدیگر به مصالحه و سازش رسیدند در این صورت سازش نامه بر مبنای توافق طرفین توسط قاضی تنظیم می‌شود. بنابراین سازش پس از اقامه‌ی دعوا در واقع نسبت به دعوایی صورت می‌پذیرد که در جریان رسیدگی است. در تمام مراحل دادرسی امکان ختم دعوا به سازش وجود دارد. بنابراین اگر دعوا در مرحله‌ی نخستین، تجدیدنظر یا فرجام خواهی باشد می‌توان با سازش به آن خاتمه داد. تنها تفاوتی که بین این مراحل وجود دارد این است که اگر دعوا در جریان رسیدگی بدوی یا تجدیدنظر باشد با وقوع سازش رسیدگی فوراً قطع می‌شود اما اگر رسیدگی در مرحله‌ی فرجام باشد، رسیدگی ادامه

می‌یابد و حکم از دیوان عالی کشور صادر می‌شود اما در حق طرفین سازش موثر نخواهد بود و صرفاً به منظور محافظت از قانون است.

در این حالت سازش در حضور قاضی انجام می‌شود و بر مبنای آن گزارش اصلاحی توسط قاضی محکمه تنظیم و صادر می‌گردد. این نوع سازش گاه قبل از تحقق دعوا و به صورت درخواست سازش از دادگاه انجام می‌شود و گاهی بعد از تحقق دعوا صورت می‌گیرد.

سازش بین طرفین باید بر طبق تنظیم سازش نامه رسمی یا غیر رسمی باشد. سازش نامه رسمی در دفتر اسناد رسمی و یا نزد مامورین صلاحیت دار در حدود قانون تنظیم می‌شود که دارای آثار اجرایی طبق آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا می‌باشد.

سازش نامه هایی که در خارج از دادگاه و به وسیله اسناد دعاوی می‌باشد غیر رسمی محسوب می‌شود. در امر حقوقی قانون آیین دادرسی مدنی به خصوص در ماده ۱۸۳ آن نحوه تنظیم سازش نامه هایی عادی و احراز آثار و نتایج آن در ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی بیان گردیده است. (طهرانیچیان، ۱۳۹۷: ۸۲)

بخش سوم: بررسی شرایط سازش در دعاوی و نهادهای حقوقی

با وجود مشکلات قضایی مثل اطاله ی دادرسی، هزینه های زیاد و... در رسیدگی به حل دعاوی از طریق مراجع قضایی، قانونگذاران در جهت رفع اطاله ی دادرسی و کوتاه کردن فرآیند دادرسی، نهادینه کردن آن و با هدف اجتناب از تشکیل پرونده های حقوقی و کیفری و ورود به چرخه قضایی و در نهایت کند شدن فرایند دادرسی اقدام به طراحی و راه اندازی نهاد های شبه قضایی کرده و نهاد هایی شورایی همچون، حکمیت، داوری، سازش را بهترین و موثر ترین گزینه در راه رسیدن به متوازن نمودن دادخواست ها و شکایات در ورود و خروج پرونده های قضایی و رفع تظلم خواهی از صحن جامعه می داند تا نهاد های مزبور رسیدگی و مشارکت در تحقق صلح و سازش ایفای نقش نمایند. نهادهایی همچون داوری، میانجی گری و شورای های حل اختلاف از جمله این نهاد های شبه قضایی است. برای تراضی بر نهاد صلح و سازش در دعاوی وجود شرایطی لازم است. اولین شرط، تحقق دعوا می باشد. یعنی باید





دعوایی صورت گرفته باشد تا طرفین بر سازش در آن توافق کنند. برای تحقق دعوا دو شرط لازم است: شرط اول وجود حق به واقع یا حسب ادعا که بندا اول در این بخش آن را شرح داده و شرط دوم انکار حق یا تجاوز به آن است. (مجیبی، ۱۳۷۵، ۷۰) شرط دیگر، قصد و رضای طرفین بر سازش می باشد و طرفین دعوا باید بر ایجاد سازش بین دعوای مطروحه، توافق نمایند به عبارت دیگر حل و فصل اختلافات از طریق سازش مستلزم توافق طرفین دعواست طرفین اختلاف از طریق مذاکراتی که با یکدیگر انجام می دهند تصمیم می گیرند تا در قالب سازش به اختلاف خاتمه دهند، این تصمیم قصد طرفین را نشان می دهد.

قانون گذار در ماده ی ۱۹۱ ق م می گوید: «عقد واقع می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر انشا نماید؟» بنابراین لازم است که طرفین قصد سازش خود را از طریقی ابراز نمایند که بهترین صورت آن تنظیم سازش نامه است. سازشنامه باید حاکی از تلاقی اراده های طرفین باشد و هر یک از طرفین اختلاف نسبت به محتوای همان چیزی که طرف مقابل قصد نموده توافق کرده باشد. و بنابراین اشتباه در این مسئله موجب فقدان قصد است که فقدان قصد در عقد موجب بطلان عقد می گردد. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۱) اما مسئله رضا غیر از قصد است و عقدی که فاقد رضای متعاملین است غیر نافذ است. بنابراین اگر در جریان سازش هر یک از طرفین تحت تأثیر اکراه سازش دهنده یا طرف مقابل دعوا یا هر شخص دیگری قرار گرفته و ناچار از پذیرش سازش باشد، در این صورت توافق حاصل غیر نافذ خواهد بود و پس از رفع شرایط اکراه امکان تنفیذ یا عدم آن برای مکره وجود دارد.

شرط دیگر مانند هر قراردادی معین بودن موضوع است (ماده ی ۱۹۰ ق.م) و در صلح و سازش هم موضوع آن باید معلوم و معین باشد والا صلح با اشکال روبه رو خواهد شد.

در حقوق مصر نیز موضوع صلح باید معین باشد طرفین قرارداد مصالحه و سازش آگاه باشند و بدانند که کدامیک از اختلاف خود را دارند به طریق سازش خاتمه می دهند در غیر این صورت مصالحه اثر قانونی ندارد (الیوسفی، ۲۰۱۴: ۸۷). همچنین ماده ی ۱۹۰ ق.م مشروعیت جهت معامله را یکی از شرایط اساسی معاملات می داند. «جهت معامله» که داعی یا انگیزه ی

آن نیز نامیده می شود هدفی غیر مستقیم است که معامله کننده از تشکیل عقد در سر می پروراند بنابراین به موجب ماده ی ۲۱۷ ق.م لازم نیست که طرفین انگیزه خود را از تحقق سازش بیان کنند. لیکن اگر آن را به زبان آوردند، این انگیزه باید مشروع باشد. و در غیر این صورت سازش باطل است. انگیزه ی نامشروع در صورتی عقد را باطل می کند که یا مشترک بین دو طرف دعوا باشد یا هردو از آن آگاه باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۹)

شرط دیگر، گذشت طرفین بر مبنای سازش و صلح می باشد. گذشت طرفین از جزیی از ادعاهای خود از اصول ضروری حاکم بر صلح دعوی است و باید این گذشت دو طرفه باشد، لذا، اگر گذشت یک طرفه باشد مثل اینکه مدعی کلاً از حق خود صرف نظر کند. در اینجا صلح نسبت به استرداد دعوی است، استرداد دعوی از نظر ماهیت حقوقی اساساً عقد نیست بلکه یک ایقاع است و تنها به اراده ی مدعی انجام می پذیرد، منتهی چون استرداد دعوی ممکن است پس از مذاکرات طرفین و با رضای مدعی علیه صورت گیرد. (بندح ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی)

بخش چهارم: بررسی تطبیقی نهادهای سازش در حقوق ایران و مصر

بند اول : داوری

داوری روشی است که هدف از آن حل و فصل اختلاف طرفین دعوا است که به طور معمول اختیارات خود را از یک قرارداد خصوصی می گیرند و بر اساس آن قرارداد رای می دهند بی آنکه دولت چنین وظیفه ای را به آنها محول کرده باشد. (محتاج، ۱۳۹۶: ۳)

در حقوق مصر محکم یا داور نزد اهل لغت به کسی اطلاق می گردد که دستش را در چیزی مبسوط گذارند یا امری مربوط به غیر را به او تفویض نمایند. متأسفانه در هیچ یک از قوانین و مقررات مصر داور تعریف نشده است و صرفاً به بیان شرایط و وظایف و اختیارات او پرداخته اند. بعضی حقوقدانان مصر داور را چنین تعریف کرده اند : « کسی است که برای فصل نزاع موضوع داوری، بر او توافق می شود » (شحاته، ۱۹۹۳، ۵)



بر اساس ماده ۱۶ قانون داوری مصر از شرایط داوری این است که داور نباید دارای اهلیت ناقص باشد و شرط نیست که داور از تابعیت معینی باشد؛ مگر اینکه طرف داوری توافق کند یا قانون غیر از این مقرر نماید. همچنین داور باید مستقل و بی طرف باشد.

این قیود و شرایطی است که وجود آن‌ها در داور لازم و ضروری است. این شرایط بر این اساس استوار است که داور در واقع به قضاوت می پردازد. در حقیقت داوری یک نوع قضاوت خاص و خصوصی است و رأی داور دارای همان اعتبار و حجیت امر قضاوت شده است. بنابراین واگذاری این مسئولیت به هر شخصی ممکن نیست. (سامی ۱۱۵، ۲۰۱۲)

قانون گذار مصری داوری را به عنوان یکی از نهادهای سازش و صلح و حل اختلاف مورد شناسایی و تصویب قرار داده و قواعد و رسیدگیهای مربوط به داوری را مبتنی بر احترام به اراده خصمین تنظیم نموده است و تا وقتی که این اراده موافق با شکلی که مورد مطالبه ی قانون است، باشد. و طرف دعوا به پایان دادن نزاع به طریق داوری ملزم هستند و بر داوری و اجرای حکم داوری مکلف خواهند بود و اثر اراده ی آنها تا این حد به پایان می رسد. پس نکته ی اساسی این است که اراده ی خصمین در تمایل آنها به رویگردانی از مراجعه ی به قضاء و پایان دادن به نزاع به وسیله ی داوری کشف گردد. توسل به داوری موجب سلب صلاحیت از محاکم مصر به طور کلی نخواهد بود و هیأت داوری به قدرت دادگاه در فصل موضوع نزاع استمداد می کند. لذا داوری به جهتی نوعی قضاوت خاص است که قانون آن را تأسیس نموده است.

قانون جدید داوری مصر بر اصول ذیل استوار است (بر اساس یادداشت توضیحی قانون):

۱ - احترام به اراده ی طرفین داوری به منظور گشودن و توسعه ی آزادی آن دو در تنظیم و سازماندهی داوری به کیفیتی که خودشان مناسب می پندارند. این آزادی همانا ستون نظام داوری است؛ هنگامی که از بین برود یا وجود نداشته باشد، داوری هم وجود نخواهد داشت و هر مقدار که آزادی اراده ی طرفین که امکان توافق و تعاقد را برای طرفین داوری مهیا می کند، زیاد باشد، به همان نسبت وثوق و ضمانت حکمی که داوری به آن

ختم می شود هم افزایش می یابد و لایحه ی قانونی به رعایت این اصل بنیادین قیام کرده است.

۲ - استقلال محکمه ی داوری. این موضوع به نوبه ی خود از مبادی اصولی ای است که نظام های پیشگام در داوری بر آن استوار هستند. این استقلال در نگاه به آن و اوصاف آن، شبیه قضاوتی توافقی است که دو طرف به طور ویژه آن را برای فصل اختلافی که مابینشان به وجود آمده است، انتخاب می کنند و شایسته است که جز برای آن چیزی که طرفین بر آن توافق کرده اند، هیچ سلطه ی دیگری بر آن.

۳ - سرعت در ختم رسیدگی ها برای صدور حکم داوری. این سرعت از ویژگیهای نظام داوری است. در قانون مواضع متعددی وجود دارد که این جایگاه به لحاظ تجویز ادامه ی رسیدگی ها علیرغم اعتراض به تصمیمات محکمه ی داوری، برای آن پیش بینی شده است و همچنین به لحاظ پیش بینی مواعد معقولی برای رسیدگیها که نه زیاد طولانی باشند و نه زیاد کوتاه. شاید بی نظیرترین جایکه اهتمام قانونگذار به التزام به رعایت سرعت در آن آشکار است، ماده ی ۴۵ باشد که اعاده و طرح دعوا را نزد قضای دولتی به عنوان صاحب ولایت اصلی، پیش بینی کرده است. (المنتشاوی، ۱۵، ۲۰۱۴)

در حقوق ایران داوری فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی دعوی است ارجاع اختلاف به داوری براساس توافق طرفین صورت می گیرد که همانند حقوق مصر دارای شرایطی از جمله اهلیت، تابعیت، استقلال و بی طرفی است.

به موجب ماده ی ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی جدید «کلیه ی اشخاصی که اهلیت اقامه ی دعوا دارند، می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه ها مطرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.» به استناد مقرره ی مزبور در مراحل مختلف دادرسی ممکن است طرفین دعوای خود را به داوری ارجاع نمایند. داور یا داورانی که بدین منظور تعیین می گردند، چنانچه از اختیار صلح برخوردار باشند می توانند دعوا را به صلح خاتمه دهند. اختیار صلح





ممکن است در موافقت نامه ی داوری یا پس از آن حتی در جریان رسیدگی داوری به داور یا داوران تعیین شده، داده شود. ماده ی ۴۸۳ قانون جدید مقرر می دارد: «در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند، می توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه ای که به امضای داوران رسیده باشد، معتبر و قابل اجراست. در مورد این ماده ذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد. اول این که داور یا داوران تعیین شده چنانچه از اختیار صلح برخوردار باشند، مکلف به انجام صلح بین طرفین و ختم دعوا به این علت نمی باشند؛ بلکه به تصریح قانون مخیر در انجام صلح یا ادامه ی داوری می باشند. دومین نکته این می باشد که دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود (رای شماره ی ۱۷۷۳ مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۹)، صلح داور را منصرف از داوری ابتدایی می داند و آن را ناظر به موردی می داند که دعوا در دادگاه اقامه شده باشد و در جریان رسیدگی دادگاه دعوی مزبور به داوری ارجاع گردیده باشد. نکته دیگری که اشاره ای کوتاه به آن لازم به نظر می رسد این می باشد که سازش داور به هیچ وجه سازش در دادگاه احتساب نخواهد شد. در حقیقت، تردید از آنجا به وجود می آید که ممکن است ارجاع دعوا به داوری از طریق دادگاه بوده و محل انجام داوری نیز دادگاه باشد. لکن چنین سازشی، سازش در دادگاه احتساب نخواهد شد؛ چرا که ماهیت داوری عبارت از یک دادرسی خصوصی و غیر دولتی می باشد در حالی که در رسیدگی از طریق دادگاه با دادرسی دولتی مواجه ایم. (صدرزاده افشار ۱۳۷۵، ۴۷-۵۹)

بند دوم: میانجیگری

میانجیگری همانند داوری یکی از شیوه های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بدون محاکمه و خارج از محکمه است که در آن طرفین می پذیرند به فرد یا افرادی به عنوان «حکم» مراجعه کنند و تسلیم قضاوت آن ها شوند.

در میانجیگری شخص ثالث بی طرف به عنوان میانجی از طریق تشکیل جلسات و گفتگو با طرفین و بحث درخصوص موضوع مورد اختلاف، کلیه راه حل های احتمالی حل و فصل اختلافات را مطرح می نماید.

میانجیگری بدون هزینه و در زمانی سریعتر و بدون وارد کردن لطمات روحی و اجتماعی که غالباً در محکمه قضایی به شخصیت مجرم و مجنی علیه وارد می شود، به ویژه بدون ایجاد انگیزه های انتقام آمیز و کینه توزانه ای که حاصل مراجعه به محاکم قضایی است، تامین می کند؛ لذا به نظر می رسد میانجیگری از عالی ترین مصادیق حمایت از بزه دیدگان محسوب شده و باید مورد توجه مقام های سیاست جنایی هر جامعه قرار گیرد. (اداره آموزش شورای حل اختلاف، ۱۳۸۵: ۲۵)

دادگاه عالی قانون اساسی مصر میانجیگری را چنین تعریف کرده است

عرضه ی دعوا و اختلافی معین بین طرفین به میانجیگر از اغیار که با انتخاب طرفین دعوا تعیین می شود و میانجیگری باید از شبهه ی جانب داری و فقدان بی طرفی و غرض ورزی و بی عدالتی بدور باشد و باید اختلاف را در جنبه هایی که طرفین به او ارجاع داده اند، قطع کند و پایان دهد، بعد از اینکه هریک از طرفین به طور دقیق و مفصل دیدگاه و نقطه نظر خود را درباره ی تضمین های اصلی دادرسی (رسیدگی) ابراز نمایند. دیوان عالی مصر هم تعاریفی از داوری و میانجیگری ارائه کرده است :

«روش استثنائی برای حل و فصل اختلافات است که قوام و اساس آن خروج از طرق عادی

دادرسی است

بنابراین در قانون مدنی مصر از نهاد های صلح در ماده ۵۴۹ از جمله داوری و میانجیگری سخن به میان آورده است و از شرایط بکار گیری میانجیگری که طرفین دعوا با آن نزاع موجود را از بین می برند یا از نزاع احتمالی جلوگیری می کنند که هر یک از متنازعین از بخشی از ادعاهای خود دست بردارد. (سجادی، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۶)

در میانجی گری اختلافات در محیطی دوستانه و توأم با همکاری و هم فکری و با نگاه حل مسئله ای مورد بحث قرار می گیرد. در نهایت فرد میانجی با توجه به اختلافات طرفین و نظرات آنها و پس از بررسی راه حل های ممکن با رعایت حقوق منافع دو طرف راه حلی مناسب را پیشنهاد می کند. میانجی گری از شیوه های پر کاربرد حل اختلاف است و همانند روش داوری



ارجاع اختلاف به میانجی و شروع کار میانجی گری بر اساس توافق طرفین صورت می گیرد. تفاوت روشن میانجی گری و داوری این است که برخلاف داوری که در آن رأی داور الزام آور است و همانند رأی دادگاه بدون رضایت یکی از طرفین (محکوم علیه) نیز به موقع اجرا گذاشته می شود نظر میانجی گری برای طرفین اختلاف الزام آور نیست و طرفین می توانند نظر میانجی گر را رد نمایند و نظر پیشنهادی میانجی گر تنها با رضایت و توافق طرفین قابل اجرا می باشد. (حسین آبادی و گرگی، ۱۳۹۲: ۵۱)

بند سوم: شورای حل اختلاف

در قانون مدنی جدید مصرکه در زمره قوانین مدنی و پیشرفته و مترقی به حساب می آید و همچنین در دیگر قوانین این کشور از نهاد شورای حل اختلاف سخنی به میان نیامده و چنین نهادی وجود ندارد و و از نهادی به نام دفتر (مرکز) حل و فصل اختلافات خانوادگی سخن به میان آمده. این نهاد وظیفه ی حل اختلافات خانوادگی را از طریق صلح و سازش به عهده دارد.

ماده ۵ قانون تشکیل خانواده ۲۰۰۴/۱۰ مقرر می دارد: «در حوزه ی قضایی هر یک از محاکم محلی (بخش)، دفتر یا دفاتری برای حل و فصل اختلافات خانوادگی تشکیل می گردد که زیر نظر وزارت دادگستری از تعدادی کافی از متخصصین و کارشناسان در زمینه ی حقوق، جامعه شناسی و روانشناسی که دستورالعمل انتخاب آن را وزیر دادگستری تهیه می کند، تشکیل می گردد. ریاست هر یک از دفاتر با یکی از صاحب نظران با تجربه در زمینه ی حقوقی یا غیر آن، از دیگر کارشناسان در زمینه ی خانواده خواهد بود، کسانی که اسامی آنها در جدول مخصوصی که به همین منظور در وزارت دادگستری تهیه می شود، قید شده باشد و قواعد و شرایط و آیین مربوط به تهیه ی این جدول و ثبت نام اشخاص در آن به موجب بخشنامه ای که به تصویب وزیر دادگستری می رسد، خواهد بود. ماده ی ۶ قانون تشکیل دادگاه خانواده ۲۰۰۴/۱۰ اشعار می دارد:

در غیر از آن دسته از دعاوی احوال شخصیه که صلح در آنها جایز نیست و نیز (دعاوی فوری) مستلزم دادرسی فوری و اختلافات ناشی از اجرای احکام و دستورات موقت، کسی

که می خواهد قصد دارد دریکی از مسائل احوال شخصیه که در صلاحیت دادگاه خانواده است، دعوایی را مطرح نماید، می بایست (پیش از آن) درخواستی را برای حل اختلاف تقدیم دفتر حل اختلافات خانوادگی نماید.

در حقوق مصر این نهاد برای حل اختلافات از طریق صلح و سازش ایجاد شده و طرفین در صورتی که مایل به صلح و سازش باشند دعوای خود را در این نهاد مطرح می نمایند.

در حقوق ایران هم، شوراها برای حل اختلاف به عنوان یکی از نهادهای سازش بین طرفین صلاحیت دارند. مطابق ماده ۸ قانون شورای حل اختلاف در موارد زیر شورا با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می نماید؛

۱- کلیه امور مدنی و حقوقی ۲- کلیه جرایم قابل گذشت ۳- جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت و در تبصره این ماده آمده است که در صورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی شورا اعلام نماید، شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می نماید. در این ماده رسیدگی جهت صلح و سازش نه برای صدور حکم، منوط است به اعلام رضایت طرفین نه یک طرف، از مصادیق دعوای مدنی می توان مطالبه وجه، موجر و مستاجر، خلع ید قلع و قمع بنا الزام به انجام تعهد، دعوای تجاری، استرداد لاشه چک، افراز و تقسیم، مطالبه مهریه و نفقه، استرداد جهیزیه، ملاقات با طفل، رفع ممانعت از حق، رفع مزاحمت و... نام برد. همچنین تذکر این نکته لازم است که امور حقوقی اعم از امور مدنی و امور کیفری می باشد و مناسب بود امور مدنی در کنار امور حقوقی قرار نمی گرفت. جرایم قابل گذشت، جرایمی هستند که با شکایت شاکی خصوصی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد، لیکن ملاک تشخیص جرایم عمومی و خصوصی قوانین مربوطه است. به این معنی که اگر قانون، تعقیب جرمی منوط به شکایت شاکی خصوصی قرار داده شده باشد، آن جرم، خصوصی و قابل گذشت در غیر این صورت جرم ارتكابی واجد حیثیت عمومی و غیر قابل گذشت است.



نکته ای شاید می توان به عنوان یک ایراد مطرح کرد این است که در صدر ماده ۸ بیان شده است که شورا با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می کند ولی در تبصره ماده ۸ تا حدودی از این شیوه فاصله گرفته شده است زیرا بر اساس مفهوم مخالف تبصره ماده ۸ اگر طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا را اعلام ننموده، در این باره سکوت کند شورا درخواست طرف نخست را مورد توجه قرار داده و به دعوا رسیدگی خواهد نمود، حال آنکه به نظر می رسد با توجه به اهمیت موضوع مقنن باید اعلام می کرد که شورا در چنین مواردی موظف است که به طرف مقابل اعلام کند که وی میتواند تا پانزده جلسه اول از عدم تمایل خود را اظهار کند و از طرفی ممکن است طرف مقابل از وجود چنین مسأله ای آگاهی نداشته باشد. (فرهمنده، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۵)

علاوه بر ماده ۸ در ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف، قانونگذار با ابتکار بی سابقه ای، صلاحیت کیفری شورا براساس جرم و مجازات تعیین نموده است. یعنی مقام ارجاع از یک طرف باید توجه داشته باشد که موضوع شکایت از نوع جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی است و از سوی دیگر مجازات نقدی آن حداکثر و مجموعاً تا سی میلیون جزای نقدی به سه ماه حبس می باشد تا بتواند پرونده را به شورا ارجاع دهد. این نوع صلاحیت در عمل مشکلاتی را ایجاد می کند، زیرا کمتر جرمی در قوانین جزایی وجود دارد که صرفاً دارای مجازات حبس یا جزای نقدی باشد. از سوی دیگر دشواری و دغدغه تعیین مرجع صالح با توجه به نوع مجازات برطرف خواهد شد. (فرهمنده، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۸)

همچنین ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف آمده است که در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی دادگاه رسیدگی کننده می تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش فقط برای یک بار برای مدت حداکثر تا دو ماه موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع نماید و شورا هم مکلف است در اجرای ماده فوق برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کند و نتیجه

را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلت تعیین شده به مرجع قضایی ارجاع کننده برای تنظیم گزارش اصلاحی یا ادامه رسیدگی مستندا اعلام نماید.

نهایتا اینکه مطابق ماده ۲۵ در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد گزارش اصلاحی صادر و پس از تایید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می شود، در غیر این صورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده در صورت مجلس منعکس و مراتب به مرجع قضایی صالح اعلام می شود. این که گزارش اصلاحی باید به تایید قاضی شورا برسد شرطی مفید و قابل دفاع می باشد زیرا که به دلیل نداشتن سواد حقوقی اعضای شوراها ممکن است این افراد در تنظیم گزارش اصلاحی دچار اشتباهی شوند و از این اشتباه آنها حقوق طرفین نادیده گرفته شود و تایید قاضی شورا موجب رفع و اصلاح اشکالات مندرج در گزارش اصلاحی خواهد شد و از طرف دیگر بدین علت که گزارش اصلاحی به منزله حکم دادگاه می باشد و به همان نحو هم لازم الاجراست دقت و نظارت در تنظیم آن بسیار کمک کننده می باشد. (فرهمند، ۱۳۹۴: ۱۳۶)

صلح و سازش در شورای حل اختلاف در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوی را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه ای که به امضای داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراست. (ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی) با نفویض اختیار صلح و سازش به داور یا داوران، حق اعتراض به رای و درخواست ابطال آن ساقط می گردد. البته هر چند گزارش اصلاحی مانند احکام دادگاه ها قابل اجراست. ولی اگر طرفین یا قائم مقام آنها ادعا نمایند این صلح نامه بر خلاف قانون می باشد دعوی مذکور قابلیت استماع دارد و باید دادگاه به آن رسیدگی کند. داوران در تنظیم متن صلح نامه مکلف به اجرای قواعد حقوقی و استدلال به گونه ای که در رای مقررات نمی باشند و می توانند بر اساس انصاف اختلاف طرفین را فیصله دهند. (طهرانچیان، ۱۳۹۷: ۹۲)

چنانچه طرفین دعوی در شورا سازش نمایند اظهارات آنها در صورت مجلس نوشته و به امضای اعضای شورای حل اختلاف و اصحاب دعوی می رسد و اگر اصحاب دعوی متعدد





باشند باید به امضای همگی آنها برسد. پس شورا ختم رسیدگی اعلام و سازش نامه بر مبنای صورت مجلس سازش تنظیم می گردد و اقدام به صدور گزارش اصلاحی می شود. گزارش اصلاحی نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام آنها نافذ و معتبر می باشد. سازش باید موضوع درخواست اصحاب دعوی باشد و همچنین طرفین دعوی می توانند نسبت به دعاوی دیگر نیز سازش نمایند و اجرائیه در شورا نیز باید بر مبنای گزارشی اصلاحی باشد. سازش ممکن است در خارج از شورا مانند هنگام تحقیق و معاینه محل واقع شود که البته همه موارد توسط اجرای احکام دادگستری محل اجرا می شود. (طهرانچیان، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۵)

گاهی ممکن است سازش در دادگاه باشد. سازش در دادگاه تا زمانی است که دادرسی در جریان باشد یا حصول سازش در دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و اقدام به صدور گزارش اصلاحی می کند. موضوع در گزارش اصلاحی می بایست منجز باشد و موضوع نمی تواند معلق یا مشروطی باشد که احراز آن نیازمند رسیدگی قضایی باشد. (قاسمی سوته، ۱۳۹۷: ۶۶)

برخی از دادگاه ها در ضمن صدور گزارش اصلاحی، قرار سقوط دعوی نیز صادر و اعلام می کنند. (شمس ناتری، ۱۳۹۰: ۱۵۷)

پس از تنظیم گزارش اصلاحی دادگاه رسیدگی کننده به اصل دعوا، قرار سقوط دعوا را صادر می کند زیرا می توان از ملاک بند (ج) ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی همین استفاده را کرد مگر این که قرار سقوط دعوی را فقط مختص همان قسم بدانیم که در این صورت قرار رد دعوی صادر خواهد شد. یک احتمال هم آن است که دادگاه با توجه به ملاک ماده ۱۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی هیچ حکم و قراری صادر نمی کند بلکه با یک تقسیم اداری، پرونده را بایگانی می کند و این احتمال منطقی به نظر می رسد. (زراعت، ۱۳۸۶: ۴۴۵)

اگر سازش نامه در دادگاه تجدید نظریا حضور دو دارس از سه دادرس تشکیل می شود. امضا دادرسان تشکیل دهنده دادگاه به همراه امضای طرف ها در زیر سازش نامه ضروری خواهد بود. (حیاتی، ۱۳۸۴: ۲۹۵)

برای رسمیت جلسات شورا، لازم است هر سه عضو در جلسه حاضر باشند ولی حضور قاضی شورا در جلسات برای رسمیت جلسه لازم نیست نظر مشورتی اعضای شورا برای صدور رای با اتفاق آراء و یا رای اکثریت است. مطرح نمودن دعوا در شورا جهت مصالحه نیز باید با حضور هر اعضا باشد.

اگر پرونده از دیدگاه جهت سازش به شورای حل اختلاف ارسال گردد، شورا پس از ایجاد صلح مراتب را صورتجلسه کرده و به امضا طرفین می‌رساند و هر سه عضو شعبه آن را امضا عضو شعبه آن را امضا نموده و جهت امضا به نظر قاضی شورا می‌رساند در این مرحله گزارش اصلاحی صادر نمی‌گردد و پرونده به همراه صورت جلسه به دادگاه عودت داده می‌شود چنانچه پرونده به سازش ختم نشود مراتب یا صورت جلسه و امضا به دادگاه عودت خواهد شد. (قاسمی سوته، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۸)

بند چهارم: دادگاه

سازش ممکن است، در دادگاه یا خارج از دادگاه واقع شود. در خصوص سازش در خارج از دادگاه در مباحث قبل توضیحاتی دادیم حال به بررسی دادگاه به عنوان یکی از نهادهای سازش در دعاوی در حقوق ایران و حقوق مصر می‌پردازیم.

تلاش برای سازش بین طرفین دعوا و اصلاح ذات البین آنها از صرف وقت و هزینه در رسیدگی طاقت فرسا به دعاوی از طریق مراجع قضائی، بهتر است. به همین سبب مقنن مصری در قوانین جدید مجال را برای تلاش در راستای ایجاد سازش و آشتی بین طرفین دعوا بازتر کرده است. یکی از مراجع اختصاصی برای سازش بین طرفین در حقوق مصر، کمیته سازش در اختلافات به طرفیت دولت می‌باشد.

موجب قانون تأسیس کمیته های سازش در پاره ای از اختلافاتی که وزارتخانه ها و اشخاص حقوقی حقوق عمومی طرف آن هستند، بشماره ی ۷ مصوب سال ۲۰۰۰م. در هر وزارتخانه یا استان یا هیأت عمومی و غیر اینها از اشخاص حقوقی عمومی، کمیته یا کمیته هایی برای سازش در اختلافات مدنی و تجاری پیش آمده بین آنها یا مستخدمین آنها یا بین



آنها و افراد و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی به ریاست یکی از صاحب منصبان قضایی به موجب بخشنامه وزیر دادگستری تشکیل می گردد.

در حقوق مصر طرح دعوا در مرکز حل اختلافات خانوادگی یک تکلیف قانونی و امر واجبی در کلیه ی دعاوی که صلح در آنها جایز است، می باشد و در صورت مخالفت با این تکلیف قانونی و مراجعه ی مستقیم به دادگاه خانواده پیش از طرح دعوا در مرکز (دفتر، مؤسسه) حل و فصل، موجب عدم قبول دعوا به سبب عدم اتباع از روش قانونی که قانونگذار مقرر کرده است، میشود و دادگاه حکم به عدم قبول دعوا صادر می نماید؛ چراکه موضوع مربوط به قواعد آمره و نظم عمومی است. (ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه خانواده ۲۰۰۴/۱۰)

جز اینکه مقنن مصری آنجا که خواسته است به دادگاه نقش مؤثری در تصحیح و اصلاح آیین رسیدگی برای نیل به طریق قانونی رسیدگی را اعطاء نماید، در انتهای ماده ی (ماده ۹ قانون ۲۰۰۴/۱۰)

به دادگاه اختیار میدهد که بجای رسیدگی و صدور رأی به رد دعوی، دعوی مطروحه را به دفتر حل اختلاف احاله نماید تا مطابق مقررات قانونی به حل و فصل نزاع اقدام کند.

در حقوق ایران دادگاه به عنوان یکی از نهادهای سازش شناخته شده است. به موجب ماده ۱ ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۷۳: «به منظور رسیدگی به حل و فصل کلیه ی دعاوی دادگاه هایی با صلاحیت عام تشکیل می شوند.... بنابراین مراجع عمومی قضایی یا همان دادگاه ها صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند به جز در مواردی که قانون به صراحت استثنا نموده است. یکی از اموری که در صلاحیت دادگاه هاست، رفع خصومت از طریق سازش بین طرفین دعوا می باشد که به نظر می رسد صرف نظر از بحث صلاحیت به نوعی تکلیف قضاوت نیز باشد. از این رو در حقوق کشورمان، سازش در دادگاه، یکی از رایج ترین صورت های سازش است. که گاه سازش در دادگاه قبل از تحقق دعوا صورت می گیرد که آن را درخواست سازش می نامند. گاه نیز سازش بعد از تحقق دعوا در دادگاه اتفاق می افتد. در هر دو حالت در صورت تحقق سازش دادگاه تکلیف به تنظیم صدور گزارش اصلاحی بر مبنای آن سازش را دارد.

در ماده ی ۱۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی جدید بیان گردیده است که دادگاه تکلیف به سازش و سعی در انجام آن می نماید. لکن مقررہ ی مزبور در مبحث درخواست سازش مطرح گردیده است. لذا حکم مندرج در آن زمانی کارایی خواهد داشت که از قبل درخواست سازشی از این دادگاه صورت گرفته باشد. بنابراین، دادگاه ابتداء به ساکن و بدون درخواست سازش به استناد قوانین موجود اختیاری به تشویق و ترغیب طرفین برای سازش ندارد. اما از مجموع قانون شورای حل اختلاف و آیین نامه ی اجرایی آن چنین استنباط می شود که اعضای شورا در واقع نقش یک سازش گر را دارند که در کلیه ی دعاوی مطرح شده در شورا تلاش می نمایند تا بین طرفین صلح و سازش ایجاد شود..

بخش پنجم: پیامدهای نهاد سازش در حقوق ایران و مصر

حل اختلاف از طریق سازش دارای مزایای مختلفی می باشد. مهمترین هدف از تشکیل نهاد صلح و سازش کاستن از بار دادگاهها بوده که در اثر تراکم و ازدیاد پرونده ها عملاً فلج شده بودند. با تشکیل این نهاد و به ویژه صلاحیت اجباری شورا، دعاوی کوچک و کم اهمیت که بخش مهمی از وقت و نیروی را مصروف خود می داشت به سوی این نهاد سرازیر شد.

همچنین رسیدگی به دعاوی در دادگاه ها هزینه های زیادی را به دولت ها تحمیل می کند. بنابراین در حقوق وقتی که طرفین اختلاف موجود و متحمل خود را به وسیله ی صلح دعوی مندرج در قانون مدنی حل کنند این امر به سود دولت است، چرا که طرفین بدون مراجعه به دادگاه اختلافاتشان را حل و فصل نموده اند. در حقوق مصر نیز حل و فصل اختلافات و تنازعاتی میان طرفین دعوی به وسیله سازش که از روش های حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه است و همچنین از راه صلح دعوی قبل از مراجعه به دادگاه، باعث کاهش هزینه های دولت خواهد شد. از دیگر مزایای آن غیر رسمی بودن می باشد. فرایندهای حل اختلاف جایگزین نسبت به روندهای قضایی، غیر رسمی تر است. در بیشتر موارد، قواعد و مقررات این رویه، منعطف بوده و به دادخواست رسمی، مستند سازی گسترده کتبی و و مقررات و شواهدی نیاز ندارد. این عدم رسمیت برای کسانی که توانایی استفاده از مکانیسم های قضایی





رسمی را ندارند، جذاب بوده و اهمیت شایانی دارد. مزیت دیگر کم هزینه بودن آن می باشد. طبق ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ برنامه سوم توسعه رسیدگی در نهاد سازش از طریق شورا رایگان است که این امر به جهت تامین عدالت اجتماعی و امکان دستیابی اقشار کم درآمد به خدمات شورا و همچنین تشویق و ترغیب مردم به مراجعه به نهاد های سازش به جای دادگاه ها، از مزایای مهم این نهاد می باشد. (اسکندری، ۱۳۹۰، ۴۷)

برای حل اختلاف از طریق نهاد سازش مزایایی برشمرده اند. سرعت داور در آیین رسیدگی های قضایی معمول و مواعید و مهلت های مقرر در آن پایینند نیست و می تواند صرفاً به دعوایی که به او عرضه می شود، رسیدگی نماید؛ برعکس دادگاه که غالباً بهط ورهم زمان به دعاوی متعددی رسیدگی میکند. نیز اینکه رسیدگیهای قضایی با یک مرحله رسیدگی مختومه نمی شوند، بلکه حداقل دودرجه ای هستند؛ لیکن رسیدگی از طریق غیر دادگاه ماهیتاً رسیدگی یک درجه ای است، هرچند طرفین حق اعتراض به رأی داشته باشند و اعتراض هم بنمایند. (المنجد، ۲۰۱۳، ۶۵) همچنین سری بودن از مهمترین محاسن رسیدگی غیر قضایی در حقوق مصر است که در نقطه ی مقابل علنی بودن رسیدگی های قضائی عادی قرار دارد و به استمرار روابط طرفین کمک می کند که این ویژگی بخصوص دراختلافات تجاری اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه تجار علاقه مندند تا حتی الامکان اسرار کار تجاری خود را پنهان نگاه دارند. (عثمان، بی تا ۱۳۱۳، ۷۹)

با وجود محاسن و مزایای زیادی که حل اختلاف از طریق سازش دارد اما این نهاد خالی از عیب نیست و دارای معایب متفاوتی می باشد. در مورد سازش و گاهی مواقع در صلح دعوی، اجرای نتایج با مشکلاتی رو به رو است. چنانچه در بعضی از موارد، ممکن است یکی از طرفین دعوی در سازش را اجرا نکند بنابراین طرف دیگر ممکن است، برای رسیدن به حق خود مجدداً در دادگاه اقامه دعوی کند و مراحل سخت و طولانی آن را برای رسیدن به حق خود طی نماید و یا اجرای نتایج حاصله از قرارداد سازش را که در موافقت نامه ی حل و فصل منعکس شده است از دادگاه خواستار شود. همچنین هر چند محرمانه و سری بودن جریان

رسیدگی و حل و فصل اختلافات در صلح دعوی و سازش یکی از مزایای مهم این دو روش حل و فصل اختلافات است. اما همین امر نظارت همگانی و بازرسی آراء نتایج حاصل از شیوه های مذکور را بسیار دشوار می کند و امکان سوء استفاده و تحمیل نتایج ناعادلانه را بر یکی از طرفین اختلاف باز می گذارد با اینکه در سازش و صلح دعوی حل و فصل اختلافات مستلزم توافق طرفین است، اما باز هم احتمال دارد که طرف قوی تر، اراده و خواسته خود را بر طرف ضعیف تر تحمیل نماید و شروط و توافق به گونه ای تنظیم شود که تنها خواست و اراده طرفی که از موقعیت بالاتری برخوردار است در نظر گرفته شود.

نتیجه گیری

بروز اختلاف میان افراد در کشورهای مختلف امری عادی است که این اختلافات در بعضی از مواقع از طریق نهادهای جایگزین از جمله سازش و داوری انجام می گیرد. در حقوق ایرا و مصر هم سازش جزء حقوق عقود رضایی می باشد و در ایجادش شکل خاصی نیاز نیست، بلکه تنها ایجاب و قبول کفایت می کند. در حقوق ایران داوری فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی دعاوی است ارجاع اختلاف به داوری براساس توافق طرفین صورت می گیرد که همانند حقوق مصر دارای شرایطی از جمله اهلیت، تابعیت، استقلال و بی طرفی است. قانون گذار مصری داوری را به عنوان یکی از نهادهای سازش و صلح و حل اختلاف مورد شناسایی و تصویب قرار داده و قواعد و رسیدگیهای مربوط به داوری را مبتنی بر احترام به اراده خصمین تنظیم نموده است و تا وقتی که این اراده موافق با شکلی که مورد مطالبه ی قانون است، باشد. و طرف دعوا به پایان دادن نزاع به طریق داوری ملزم هستند و بر داوری و اجرای حکم داوری مکلف خواهند بود و اثر اراده ی آنها تا این حد به پایان می رسد.

میانجیگری نیز همانند داوری یکی از شیوه های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بدون محاکمه و خارج از محکمه است که در آن طرفین می پذیرند به فرد یا افرادی به عنوان « حکم » مراجعه کنند و تسلیم قضاوت آن ها شوند. در میانجی گری شخص ثالث بی طرف به عنوان





میانجی از طریق تشکیل جلسات و گفتگو با طرفین و بحث در خصوص موضوع مورد اختلاف، کلیه راه حل های احتمالی حل و فصل اختلافات را مطرح می نماید. در میانجی گری اختلافات در محیطی دوستانه و توأم با همکاری و هم فکری و با نگاه حل مسئله ای مورد بحث قرار می گیرد. در نهایت فرد میانجی با توجه به اختلافات طرفین و نظرات آنها و پس از بررسی راه حل های ممکن با رعایت حقوق منافع دو طرف راه حلی مناسب را پیشنهاد می کند در قانون مدنی مصر از نهاد های صلح در ماده ۵۴۹ از جمله داوری و میانجیگری سخن به میان آورده است و از شرایط بکار گیری میانجیگری که طرفین دعوا با آن نزاع موجود را از بین می برند یا از نزاع احتمالی جلوگیری می کنند که هر یک از متنازعين از بخش ی از ادعاهای خود دست بردارد.

از نهادهای دیگر حل اختلاف از طریق سازش در حقوق ایران، شورای حل اختلاف می باشد که شوراهای حل اختلاف به عنوان یکی از نهادهای سازش بین طرفین صلاحیت دارند. مطابق ماده ۸ قانون شورای حل اختلاف در موارد ۱- کلیه امور مدنی و حقوقی ۲- کلیه جرایم قابل گذشت ۳- جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت شورا با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می نماید.. در قانون مدنی جدید مصر و همچنین در دیگر قوانین این کشور از نهاد شورای حل اختلاف سخنی به میان نیامده و چنین نهادی وجود ندارد و و از نهادی به نام دفتر (مرکز) حل و فصل اختلافات خانوادگی سخن به میان آمده. این نهاد وظیفه ی حل اختلافات خانوادگی را از طریق صلح و سازش به عهده دارد. مقنن مصری در قوانین جدید مجال را برای تلاش در راستای ایجاد سازش و آشتی بین طرفین دعوا بازتر کرده است. یکی از مراجع اختصاصی برای سازش بین طرفین در حقوق مصر، کمیته سازش در اختلافات به طرفیت دولت می باشد. در حقوق ایران دادگاه به عنوان یکی از نهادهای سازش شناخته شده است و بنابراین مراجع عمومی قضایی یا همان دادگاه ها صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند به جز در مواردی که قانون به صراحت استثنا نموده است. یکی از اموری که در صلاحیت دادگاه هاست، رفع خصومت از طریق سازش بین طرفین دعوا می باشد که به نظر می رسد صرف نظر از بحث صلاحیت به نوعی تکلیف قضاوت نیز باشد. از این رو در حقوق کشورمان، سازش در

دادگاه، یکی از رایج ترین صورت های سازش است. که گاه سازش در دادگاه قبل از تحقق دعوا صورت می گیرد که آن را درخواست سازش می نامند. گاه نیز سازش بعد از تحقق دعوا در دادگاه اتفاق می افتد. در هر دو حالت در صورت تحقق سازش دادگاه تکلیف به تنظیم صدور گزارش اصلاحی بر مبنای آن سازش را دارد. البته باید به این نکته توجه نمود که سازش و گاهی مواقع در صلح دعوی، اجرای نتایج با مشکلاتی رو به رو است. همچنین هر چند محرمانه و سری بودن جریان رسیدگی و حل و فصل اختلافات در صلح دعوی و سازش یکی از مزایای مهم این دو روش حل و فصل اختلافات است. اما همین امر نظارت همگانی و بازرسی آراء نتایج حاصل از شیوه های مذکور را بسیار دشوار می کند و امکان سوء استفاده و تحمیل نتایج ناعادلانه را بر یکی از طرفین اختلاف باز می گذارد.



منابع و مآخذ

- اداره آموزش شورای حل اختلاف (۱۳۸۵) صلح و سازش دعاوی در شورای حل اختلاف، تهیه کننده اداره کل آموزشی کارمندان، قم، نشر قضا، چاپ دوم، بهار.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، جلد سوم
- حیاتی علی عباس (۱۳۸۴) شرح قانون آیین دادرسی مدنی، تهران انتشارات سلسیل، چاپ اول.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۸۴) شرح قانون آیین دادرسی مدنی، انتشارات سلسیل، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، جلد نهم.
- زراعت، عباس (۱۳۸۶) محشای آیین دادرسی مدنی، انتشارات ققنوس، تهران
- شحاته، محمدنورا (۱۹۹۳) لنشأه الاتفاقية للسلطات القضائية للمحكمن، القاهرة، دار النهضة العربية ۱۹۹۳.
- شمس ناتری، عبدالله (۱۳۹۰) دوره بنیادین آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ یازدهم، تهران.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۵) بررسی قانون نمونه آنسیترا ل در خصوص سازش تجاری بین المللی اندیشه های حقوقی، شماره ۱۰.
- صدرزاده افشار محسن (۱۳۸۵) آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاههای عمومی و انقلاب، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، چاپ نهم.
- طهرانچیان، پرستو (۱۳۹۷) شورای حل اختلاف (سازش داوری و حقوق شهروندی، نشر ساکو، تهران، چاپ اول.
- عثمان سعید (بی تا)، التوفیق و التحکیم فی القوانين الوطنیه و الدولیه، بی جا.



فرهمنند، مجتبی (۱۳۹۴) تاملی بر صلاحیت سازشی و قضایی شورای حل اختلاف، انتشارات جنگل، چاپ اول.

قاسمی سوته، محمد مهدی (۱۳۹۷) صلح و سازش از منظر فقه و قوانین موضوعه، نشر حکمت فراز، قم، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹) حقوق مدنی (مشارکتها - صلح)، چاپ پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش.

المنجد، سمیرة الزعیم (۲۰۱۳) التحکیم الإسلامی فی نظام غیر اسلامی، بیروت، الحقوقیه، چاپ سوم.

المنشای، عبدالحمید (۲۰۱۴) لتحکیم الدولی و الداخلی، اسکندریه، دارالجامعه الجدیده.
الیوسفی، هات محی الدین (۲۰۱۴) الاثر المانع لاتفاق التحکیم و مدى تأثیره علی الاختصاص القضائی، سنکدریه، دارالفکر الجامعی، چاپ اول.



